

آموزش احکام اصول

مهدی فاطمی

احکام الهی و مسائل شرعی افزود.
اینک نگاهی دوباره به آموزش رساله
می‌افکنیم و پیشاپیش از به کارگیری
بعضی از واژه‌ها یا مسائل شرعی به عنوان
نمونه و مثال پوزش می‌خواهیم:
۱ - بیان معادل‌های فارسی: برای برخی
از واژه‌های رساله‌ها می‌توان معادل
فارسی آن‌ها را نیز بیان کرد، مانند
«پاک‌کننده‌ها» برای «مُطَهَّرَات» و «نیم‌خیز
نشستن» برای «تَجَافِي».

۲ - بیان معادل‌های مفهوم‌تر و رایج‌تر:
بسیاری بعضی از واژه‌های توضیح
المسائل‌ها می‌توان معادل عربی اما

یکی از پرسش‌هایی که گاه برای
مبلمان پیش می‌آید، این است که در
آموزش و تدریس رساله‌های توضیح
المسائل به همگان به ویژه جوانان چه
روش‌ها و نکاتی را باید در نظر گرفت و
چه زاویه دید و نگاهی را باید در نظر
داشت تا برای آنان گیرا و جذاب باشد؟
تعبیر «عبوس بودن» چهره رساله‌ها از زبان
برخی به صورت موجه کلیه جاری نشود.
در پاسخ به این پرسش و هنگام
آموزش و بیان رساله‌های عملیه به همگان
به ویژه جوانان، باید چند زاویه دید را
دوباره در نظر آورد تا بر جذابیت آموزش

یکی از معلّمان دینی پرسید: «استفتائات»
یعنی چه و به چه معنی است؟

هنگامی که اصطلاحی مانند «استفتا»
برای برخی از معلّمان دینی روشن و
شناخته شده نیست، می توان گفت: برای
همگان واضح و تعریف شده است؟ آیا هر
چیزی که برای ما کاملاً روشن است،
می توان بر این پندار بود که برای مخاطبان
مانیز روشن است؟

همچنین حتماً باید بسیاری از
اصطلاحات فتوایی را مانند «بعید نیست»،
«خالی از قوّت نیست»، «خالی از وجه
نیست»، «خالی از قُرب نیست»، «خالی از
اشکال نیست»، «احتیاط واجب»، «ارجح»،
«اظهر»، «محل تأمل است» و «محل اشکال
است» برای بسیاری از مردم تعریف کرد و
توضیح داد و اثر عملی آن‌ها را برای
مقلدان ذکر نمود. مثلاً آیا برخی از طلاب -
تا چه رسد به دیگران - می توانند معنی این
مسأله شرعی و اثر عملی آن را بیان کنند:

«اگر بچه ممیّز بگوید، چیزی که در
دست اوست، نجس است، احتیاط آن
است که از آن اجتناب کنند، اگرچه بعید
نیست اعتبار قول صبی مُراهق.»

مفهوم تر و رایج تر آن‌ها را بیان کرد، مانند
«ادرار» برای «بُول»، «مدفوع» برای «غائط»
و «استفراغ» برای «فَی» که همه این واژه‌ها
عربی هستند، ولی واژه‌های نخستین
رایج تر و قابل فهم ترند.

۳- بسیان معادل‌های امروزی‌تر و
کاربردی‌تر: برای برخی از واژه‌های
رساله‌های عملیه می توان معادل‌هایی را به
کار برد که امروزه کاربرد بیشتری دارند.
مانند «مسافت ۲۲/۵ کیلومتر» برای «حد
مسافت شرعی»، «۱۲۵۰ گرم نقره» برای
«۵۰۰ درهم در مهر السنّة»، «برای مشخص
کردن اندازه درهم و اشرفی مقایسه آن‌ها با
سکه‌های دو ریالی و...»^۱

۴- تعریف و توضیح اصطلاحات فقهی و
فتوایی: مثلاً بعضی از اصطلاحات فقهی
مانند حد «ترخّص»، «تروی»، «خَدَث
اصغر»، «خَدَث اکبر»، «جاهل قاصر» و
«جاهل مقصر» برای برخی باید تعریف
کرد و توضیح داد. به عنوان نمونه، یک بار
برای معلّمان دینی، درس احکام را
تدریس می کردم. در آغاز تدریس به آنان
گفتم: بعضی از احکامی را که برای شما
تدریس می کنم «استفتائات» است. ناگهان

سن تکلیف می‌رسند.

۶- بیان تعریف لغوی و اصطلاحی

موضوعات و واژه‌های فقهی: به طور مثال بارها از شاگردان و حتی طلاب شرکت کننده در کلاس‌های آموزش و بیان احکام می‌پرسیدیم که تعریف لغوی «وضو» چیست؟ یا اصلاً پاسخی نمی‌دادند یا اشتباهاً پاسخ می‌دادند که به معنی «روشنی و روشنایی» است.

بدین جهت شایسته است معانی لغوی و اصطلاحی برخی از موضوعات و اصطلاحات فقهی و ارتباط این دو معنی با یکدیگر گفته شود. مثلاً به آنان بگوییم که وضو در لغت به معنی «نظافت و پاکیزگی» است و از این رو، عرب‌ها به شخص نظیف و پاکیزه می‌گویند: «وَضِيءٌ»^۲ و وضو در اصطلاح فقهی به معنی شستن صورت و دست‌ها (عَسَلْتَان) و مسح سر و پاها (مَسَحْتَان) طبق دستوری که شارع مقدس اسلام فرموده است می‌باشد. بنابر روایتی یکی از علت‌ها و فلسفه‌های وضو، نظافت و پاکیزگی است، بدین جهت به آن، «وضو» گفته‌اند. این نکته از نظر علمی و تجربی نیز روشن است.

از این رو، تدوین یک «فرهنگ اصطلاحات فقهی و فتوایی» در پایان رساله‌ها و یا به طور مستقل کاری شایسته و بلکه امری بایسته است.

۵- رفع ابهام از تعریف‌های واژگان و اصطلاحات: مثلاً در تعریف «بجۀ ممیز» و

به تبعیت از رساله‌ها به مردم می‌گوییم که: «بجۀ ممیز بجه‌ای است که خوب و بد را می‌فهمد.» اگر یکی از شنوندگان از ما بپرسد که منظور از «فهم خوب و بد»، خوب و بد اخلاقی، اقتصادی، جنسی، فکری، سیاسی، اجتماعی و یا... است به او چه پاسخی می‌دهیم؟

یا مثلاً در تعیین سن بلوغ پسر و دختر می‌گوییم: «تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر و ۹ سال قمری در دختر.» و حال آن که بسیاری به این نکته مهم توجه ندارند که سن بلوغ و تکلیف، طبق سال شمسی کمتر از سال قمری می‌شود. زیرا سال قمری به مقدار ۱۰ روز و ۱۸ ساعت از سال شمسی کمتر است و در نتیجه طبق سال شمسی، پسران هنگامی که تقریباً ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۶ روز و دختران زمانی که تقریباً ۸ سال و ۸ ماه و ۲۲ روز دارند، به

۷- استفاده از واژه‌های فخیمانه و محترمانه: یکی از وظایف ما، به کارگیری واژه‌های فخیمانه و محترمانه در هنگام آموزش و بیان احکام است. مثلاً در هنگام به کارگیری واژه‌های «آبستن، حامله و باردار»، آیا واژه «باردار» فخیمانه‌تر نیست؟ یا در هنگام بیان علانم بلوغ، استفاده از واژه‌های «شرمگاه» یا «اندام تناسلی و زایشی» به جای واژه «عورت» محترمانه‌تر نیست؟ یا در هنگام بیان مُبَطَّلَات روزه، به کارگیری واژه «آمیزش» یا «آمیزش جنسی» بهتر از واژه «جماع» نیست؟ آیا نباید واژه‌های غیر فخیم و به کار رفته در رساله‌های توضیح المسائل مانند مسائل ۱۵۸۶ و ۲۳۸۱ را به کار نبرد و آن‌ها را به گونه‌ای دیگر تغییر داد و بیان کرد؟

۸- با اعراب خواندن یا نوشتن کلمات: باید در هنگام بیان یا نوشتن احکام الهی، بعضی از کلمات و واژه‌ها را با اعراب صحیح خواند یا نوشت تا مانند آن شخصی نشود که در مکه از روحانی کاروان خود پرسیده بود: «هَرُوله به چه معنی است؟» یا فرد دیگری سؤال کرده بود: «دو کلمه قَبْل و دَبْر که در رساله‌ها

نوشته شده‌اند، به چه معنی است؟» یا یکی از روحانیان کاروان حج به نام آقای «حسن زاده» می‌گفت: «یکی از حاجیان از بنده می‌پرسید که من هنگام طواف این‌گونه نیت کرده و گفته‌ام: هفت دور طواف برای حُجَّةُ الاسلام حسن زاده (نه حُجَّةُ الاسلام) به جا می‌آورم واجب قرْبَةُ الی الله. آیا نیت من صحیح بوده است یا نه؟»

بارها از مردم و حتی طلاب حوزه شنیده‌ام که به جای «مُبَطَّلَات وضو» می‌گویند: «مُبَطَّلَات وضو»، یا به جای «مُطَهَّرَات» می‌گویند: «مُطَهَّرَات».

از این رو، باید اعراب این‌گونه کلمات را به طور صحیح برای دیگران خواند یا نوشت تا اشتباه و تفاوت‌های معنایی و مستضادّی مانند «مَقْلَد» و «مُقْلَد»، «مُطَهَّرَات» و «مُطَهَّرَات»، «مُبَطَّلَات» و «مُبَطَّلَات» پیش نیاید.

۹- آموزش مسائل رساله به صورت تدریجی: قوانین و احکام الهی در مدت ۲۳ سال و به صورت «تدریجی» بر پیامبر محبوب خدا ﷺ نازل و به مردم ابلاغ شد. مثلاً خوردن شراب به صورت تدریجی و در چهار آیه از قرآن بیان شد تا این که در

ذیل برای هر استادی در هنگام آموزش رساله و احکام الهی و حتی موضوعات دیگر مورد توجه وافر باشد:

پیامبر عزیز خدا ﷺ فرمود:

«یا مُعَاذُ! بَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ، يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ؛^۵

ای معاذ! (هنگام تبلیغ در یمن) مژده آور باش و رماننده از دین نباش.

آسان گیر باش و سخت گیر در دین نباش.»
حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ؛^۶

همه آنچه را می دانی مگو.»

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«...إِيَّاكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا تَسْبِقُ إِلَى الْقُلُوبِ
إِنْكَارُهُ وَإِنْ كَانَ عِنْدَكَ أَعْتِدَارُهُ...»^۷

بپرهیز از این که سخنی بر زبان جاری سازی که دلها در نپذیرفتن و انکار آن پیشی گیرند، اگرچه عذرخواهی آن را نیز داشته باشی.»

۱۰ - تنظیم و دسته بندی احکام رساله:

حضرت امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید:

«أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النِّتْظَامِ
وَفَهْمَةُ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ؛^۸

زیباترین سخن آن است که تنظیم و دسته بندی زیبایش آن را آراسته کرده باشد

مرحله چهارم، حکم قطعی حرمت شراب به مردم ابلاغ گردید.

از این رو، برای آموزش و بیان احکام رساله به مردم، در برخی از موارد باید زمینه سازی کرد. به طور نمونه یکی از استادان احکام می گفت: «برای تعدادی از خواهران، درس احکام می گفتم. روزی به احکام حجاب و پوشش رسیدم. دیدم برای تدریس احکام آن باید زمینه سازی کنم. زیرا ممکن است بعضی از مسائل شرعی حجاب و پوشش را نپذیرند یا به آن تسوچه لازم را نکنند. بدین جهت تصمیم گرفتم پیش از آغاز درس احکام، مرثیه حضرت زهرا علیها السلام را برای آنان بخوانم و رقت قلبی ایجاد کنم. همین کار را کردم و پس از گریه و مرثیه خوانی، این نکته را به آنان تذکر دادم که اگر بخواهیم پیرو حقیقی حضرت زهرا علیها السلام باشیم، باید حجاب خود را کاملاً رعایت کنیم و احکام آن را در زندگی عملی خویش پیاده سازیم. آن گاه به بیان احکام پوشش و حجاب پرداختم و با این زمینه سازی بود که پذیرش احکام حجاب برای آنان آسان شد.»

بدین جهت باید سه حدیث شریف

و خواص و عوام، آن را بفهند.»

روان‌شناسان نیز معتقدند از نظر یادگیری و آموزش، مطالب منظم و دسته‌بندی شده بهتر از مطالب نامنظم و دسته‌بندی نشده در ذهن انسان جای می‌گیرند.

یکی از شاگردان حضرت امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «امام در هنگام تدریس، مطالب را خیلی عالی مرتب و تنظیم می‌کردند، و همین تنظیم مطالب در بهتر فهمیدن و زودتر فهمیدن مطالب درسی کمک بسیار مؤثری می‌کرد.»^۹

«روش دسته‌بندی احکام» را در مجله شماره ۱۴ مبلغان (ماه ذیحجه) آورده‌ایم که می‌توانید برای آشنایی با آن به آنجا مراجعه کنید.

امید است با عنایات خداوند بزرگ و توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام این‌گونه مباحث و مطالب در زمینه «آموزش رساله» به همگان و به ویژه جوانان برای مبلغان گرانمایه و گرانپایه سودمند آید.

این همه گفتیم لیک اندر بسیج

بی عنایات خدا هیچیم هیچ

ای خدا ای فضل تو حاجت روا

با تو یاد هیچ کس نَبُود روا

قطره‌ای دانش که بخشیدی ز پیش

متصل گردان به دریا‌های خویش

پی‌نوشت‌ها:

۱- در صورتی که این معادل‌ها طبق فتاوی مرجع تقلیدی که احکام و فتاوی او را بیان می‌کنیم، صحیح و مورد قبول وی باشند.

۲- ریشه لغوی وضو از کلمه «وَضَأَ» یا «وَضَأَ» گرفته شده است، نه از کلمه «ضَوَّءٌ = ضَاءٌ» که به معنی «ضوء و ضیاء و روشنی» است.

۳- در مسائل مربوط به دومین مبطل از مبطلات روزه.

۴- در مسائل مربوط به عیب‌هایی که به واسطه آن‌ها می‌شود عقد را به هم زد.

۵- سیری در سیره نبوی آیت الله شهید مرتضی مطهری، چاپ هفدهم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶، ص ۲۱۰، به نقل از سیره ابن هشام.

۶- نهج البلاغه، گردآوری سیدابوالحسن محمدشریف رضی، ترجمه علینقی فیض الاسلام، [بی‌جا]، [بی‌جا]، [بی‌تا]، [بی‌نا]، کلمه قصار ۳۷۴، ص ۱۲۶۸.

۷- سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، [بی‌جا]، بیروت، دار المرتضی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۵۷۳.

۸- معجم الفاظ غرر الحکم و درر الکم، مصطفی درایتی، چاپ اول، قم، مرکزی الابحاث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۳، ص ۴۶۴.

۹- با اقتباس از: مجله حوزه، ش ۳۲، ص ۸۹.